[illegible]

سعد ساصال پر السنه [illegible] آقالات [illegible] العبد [illegible]

العبد ضعیف الله [illegible] والسلام

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵

[illegible]

۱۱

[illegible]

[illegible]

هر دو چه اوردی [illegible] شتاب · رها کرده [illegible] گوشه خم · در رنگ [illegible] خوش تر · [illegible] خطاب · [illegible]

گر [illegible] حساب · من [illegible] غم · حال [illegible] تر شیر · [illegible] شاه ولاب · [illegible]

[illegible]

هردم از نام خسرو [illegible] · این [illegible] خواه · حال [illegible] · [illegible]

صبح [illegible] · [illegible] · [illegible]

[illegible]

۲۲۳

[illegible]

الا دهقان [illegible] مضمون [illegible]

[illegible] امر [illegible] دارند [illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۶

ست حلقم بجان آمده لطفی کن مرا   وا رهان از رشته حلقم بجان مصطفا
روی رحمت بر متاب ای کامکار ارزو کن
حرمت روی پیمبر یک نظر کن سوی من

ای گزیده مرد خدا یا امیر المومنین   خواجه نفس مصطفات یا امیر المومنین
گردنان دهر را آورده سر زیر حکم   بازوی زور ازمات یا امیر المومنین
از نسیم یا د لنوزی نشاید کرد باد   پیش خلق جانفزات یا امیر المومنین
انچه عیسی از نفس میکرد در یکبار بیت   از دم معجز نمات یا امیر المومنین
لعل و گوهر در دل کان جا که ریزش میکند   از کف دریا عطات یا امیر المومنین
خار زان کان و دریا کیسها پرساخت   روز بازار سخات یا امیر المومنین
انچه تو شایسته ای زروی عز و جاه   کس نه اند جز خدات یا امیر المومنین
مدح اگر شایسته ذات تو باید کفت و بس   کمیت ما گوید ثنات یا امیر المومنین
با همه بالا نشینی جمل کس یاره در   زیر پا در وان رات یا امیر المومنین
گر بجویی بالاتر از عرش برین جای اگر   کفشی کان جنات جات یا امیر المومنین
خاطر همچون منی شوریده خاطر کی کند   وصف قدر کبریات یا امیر المومنین
ما همه از در که لطف که اینجا میکنیم   ای همه شاهان گدات یا امیر المومنین

هم انسانی چه داند عزت کار ترا
کافرینش بر نتابد بار مقدار ترا

ای که فرمان قضا موقوف فرمان شماست   دور دوران فلک دوری ز دوران شماست

چشمه کز وی محیط آفرینش قطره ایست   قطره از نم دریای احسان شماست
آفتابی کاسمان در سایه اجلال اوست   پرتوی از لمعه گوی گریبان شماست
انچه از وی عالم امکان عبارت یافت   صورت و جهد آن رکنی از ارکان شماست
هر که بجا ابداع معنی مسلسل   با همه ذهن و ذکا طفل دبستان شماست
هر کجا در مجمع قران خدا آیات   از کمال لطف و رحمت جا در شان شماست
نسبت قدر ترا با اوج گردون چون کنیم   زانکه اوج او حضیض قدر دوران شماست
انچه گردون از ان خشم جهانبین رو است   جز دو قرصی نیست انهم ریزه خوان شماست
قبه چرخ زا چون داند بر سینه زجاج   مرغ نعلش که او بر بام ایوان شماست
هر کجا که ذره منبر کان امکان حکمت   صورت اظهار آن موقوف فرمان شماست
سینه مجروح کاسی از دل و جان سال ها   روز و شب در حفظ آن شاه خوان شماست
بر در دولت سرایت روی رحمت یا رب   با دل پر درد و بر امید درمان شماست

درد جهان پیش درمان جهان چه شوال داشتن
عاقل نبود زدرمان درد جهان داشتن

تا نجف شد آفتاب دین و دنیا را مقام   خاک او دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام
کعبه اصلی مشک بر دارم نعت   زانکه دارد عروة الوثقای عروی مقام
آفتاب آسمان دین امیر المومنین   والی ملک ولایت حاکم دار السلام

[illegible]

زمان روشن شمع دل از مشتری
فرح بر کهو درکش ازدر شکسته

وانکه دست جامی بر خود لو پرده   دست خود را با عنایت صاحب

با صفای کوهر پاک تو گردون لما   خاک مجلت بر جبین آب گوهر یافته
ساقی کوثر نه چندان مدح تاثیر ترا   ای ز تو دریای فطرت کان گوهر یافته
با خدا و مصطفی ز رای تو گرو داده   و زخدا و مصطفی شمشیر و جوهر یافته

گر نبودی ذات پاک آفرینش را سبب
نامد حواس ترون بودی و ادم عدم

ای معظم کعبه سبل رسان مصطفا   قبله دنیا و دین جان و جهان مصطفا
از نقود کوهر معنی لبالب شد دهان   تا نهادی لب بصورت بر دهان مصطفا
ای باستحقاق بعد از مصطفی جبرئیل کشت   تا نهاده پای تمکین بر مکان مصطفا
تا سپهر شرع از و پرنور شد هر گز نتافت   از تو روشنتر مهی بر آسمان مصطفا
رهروان عالم تحقیق را نبوده راه   بی زمین بوس درت بر آستان مصطفا
رفعت پایه ای امکان صورت تا نگشت   در بود ممکن بود قدر و توان مصطفا
گرچه در عالم با قبال تو شاها کرده ام   انچه حسان کرد روزی در زمان مصطفا
لاف مداحی نمی آرم زدن در حضرت   ای شاخوان تو آیه از زبان مصطفا
از زبان حق برانده صفات ذات تو   و هر آیه نبود الا از زبان مصطفا
عرض حاجت بر تو حاجت نیست اگر حاجت   حال اخلاص من اندر خاندان مصطفا

[illegible]

زهی ان ره صنع الملک ... که بجا بخ دل پر ز حسرت ... [illegible]

... [illegible] ... در جهان ... [illegible]

او ساق ... [illegible] ... دارم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

همان به که این ... پیاپی خورد — همان بزم ازین جهان خراب — ... [illegible] — بیا ساقی آن ...
بهر گشت ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible] — بیا ساقی آن ... [illegible]

[illegible]

بیا ساقی آن ... [illegible] — بده تا ... [illegible] — بیا ساقی آن جام ... [illegible] — بیا ساقی آن ... [illegible]
بباغ ... [illegible] — ... [illegible] — بده تا ... [illegible] — ... [illegible] — بده تا ... شنیدم ... [illegible]

[illegible]

بیا ساقی آن جام جم ... [illegible] — ... جمشید تا تاج و گنج — بده ساقی آن جام ... [illegible] — بده ساقی آن ... [illegible]
... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible]

[illegible]

بیا ساقی آن ... [illegible] — ... [illegible] — بیا ساقی آن ... [illegible] — بیا ساقی آن ... جام جم
... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible]

[illegible]

بده ساقی آن ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible]

[illegible]

همه چیز ... عشرت و تو گذر — در خاک ریزان پیمانه کوب — ... [illegible] — ... که در عالم ... رسید
از آن ... — ره می فروشان پیمانه ... — ... [illegible] — ... [illegible] ... رسید

[illegible]

... [illegible] — ... [illegible] — ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

چو حسن [illegible] عالم چو صنعان [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمودن است بغایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

بالاتفاق معاونت فی المهمه از [illegible] گلشن [illegible]

چشم چهار [illegible] از مرغ [illegible]

[illegible] این حالات [illegible]

اطاعت فرمان واجب [illegible] در شریعت [illegible]

[illegible] مقدم و از همه مهمات اهمیت [illegible] احوال [illegible]

[illegible] احوال [illegible]

[illegible]

[illegible] زبان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد لله الذی من علینا باحوال امامنا و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... رقبة مؤمنة اعتق الله بکل عضو منها عضواً من النار ...

[illegible]

نم عطا و قسم قرعدم سلسله جهان جلیله [illegible] کوکبه [illegible] عظمت

و اجلال [illegible] شهنشاه [illegible] و اقبال [illegible] التاج افسر شاهی [illegible]

شاهی [illegible] شکوه و وقار و [illegible] تاج و تخت و نگین [illegible]

و علا [illegible] شاهی و [illegible] جهانداری [illegible]

آسمان [illegible] خسرو [illegible] هر شاه [illegible]

[illegible] عالم [illegible] ارکان سلطنت [illegible]

[illegible] شهنشاه عادل [illegible]

شاه [illegible] شاهی [illegible] تاج و تخت و کلاه و نگین

[illegible] شاهی [illegible] اندام او [illegible]

[illegible] شیر [illegible] خورشید [illegible]

[illegible] تاج و [illegible] تخت [illegible]

[illegible] جهان [illegible]

[illegible]

[illegible] جهان [illegible] عالم [illegible]

[illegible]

در مقام امتحان [illegible]

[illegible] امتحان [illegible]

[illegible]

[illegible] چون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در مقام [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible] عدم [illegible]

دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] در خدمت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بعد از ابداء ... [illegible]

[illegible]

ز ... رها

[illegible]

7

دیباچه ... نوشته

همواره ... [illegible] ... از ... [illegible]

از حادثات ایام محفوظ باشند بعد از ... دعا ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

همیشه ... [illegible] عالیحضرت ... در گلشن ... [illegible]

[illegible] ... بعد از اظهار مراسم ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

گلدستهٔ عزت و ... [illegible] ... از ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

همواره ... [illegible] گلشن ... [illegible]

[illegible] ... بعد از گذارش مراسم ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

امید که همیشه ... امید ... از ... [illegible]

حضرت ... بعد از ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

امید که جناب حضرت ... [illegible]

[illegible] ... بعد از اظهار مراسم دعا گوئی ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

امید که ضمیر انور ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

انشاء الله همیشه آفتاب ... [illegible]

دیباچه ... [illegible]

امید که ... بعد از ... [illegible]

[illegible]

هنروقه پرتو ... کارگذار و کفایت آثار ... [illegible] ... مشغول

عساکر نصرت شعار و سپاه ظفر آثار کامیاب الدین ... [illegible]

و لان شقاوت انجام و شهاب ... ساز و برق ... گذار ... [illegible]

بر فرجام ... بعد الله ... [illegible] ... قلاع ... [illegible]

تیغش در معرکه ... [illegible] ... از تجربه ... [illegible]

... مقطوع ... [illegible] ... جوشن ... [illegible]

... [illegible] ... قلعه دار القرار مقدمه ... [illegible]

بسلام ... [illegible] ... خورشید ... [illegible]

نور افزای ... [illegible]

بشارت ... [illegible]

اقبال و فیروزی بخت ... [illegible]

شهر بند ... [illegible]

تحت آثار ... [illegible] ... معتدل القوام و استعلاء ... [illegible]

سپهر احتشام ... [illegible]

سرور حضور ... [illegible] ... اخلاص ... [illegible]

جهان ... سلطان ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... گذاری ... [illegible]

... [illegible]

... خاطر خورشید مظاهر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... عقیدت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

سلاطین عالیمقدار ... [illegible]

و مناصب ... [illegible]

... [illegible] ... منظور انظار ... [illegible]

... [illegible] ... عالم افروز ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... تهنیت ... سرور ... [illegible]

... [illegible]

فیروزی ... [illegible]

اعادی دین و دولت ... اعلام اقبال ... [illegible]

... [illegible]

مقدمه ... [illegible] ... اخلاق ... [illegible]

... [illegible] ... سعادت ارکان دولت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

هموار ... از طلوع صباح ... [illegible]

... [illegible] ... دولت و عزت ... [illegible]

عافیت ... [illegible] ... دانش و هوشمندی ... [illegible]

این حال صورت ... [illegible] ... اشتراک ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

صورت عریضه که در جواب ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

ظریفان او در هر طرف نگاری [illegible] عشقت [illegible] کاری چشم فلک [illegible]

آن [illegible] در دست [illegible] نگاری [illegible] نگاری [illegible]

[illegible] دهقان [illegible] کوکب [illegible]

دلنشین [illegible]

و [illegible] حکایات [illegible]

[illegible]

[illegible] بلبلان فصاحت [illegible]

سرو [illegible] طوطیان [illegible]

حکایات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و الله الموفق المعین

ز نگارش [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دیباچه رقم [illegible]

[illegible]

چمن [illegible]

[illegible] اطهار [illegible] علیهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شکر که گذشته ... [illegible]

[illegible]

استم در دل ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

طالب

[illegible]

طالب

[illegible]

طالب

[illegible]

[illegible]

طالب

[illegible]

[illegible]

چون نگاه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... یوسف چشم شوخ زلیخا چه کشد ... یعقوب باز نیست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٩٥

٩٧

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از قهر چه شکوه کنم زین ستمکاره رفت   بیداد زر دو چشمه عشق و خوش بست   تا رسم عشق از طبع سعادت رفت   بیچاره دوده سینه و آتش سوزد

[illegible]

[illegible]

قسم به پیری ... داده که ... که با ... شب و ... که ... افتاده ام ... و ... شیم ... شمع ...

[illegible]

[illegible]

شاید ... که ... تا چشم ... روشن ... دیده ام

[illegible]

[illegible]

چشم ... غنچه ... خنده ... کعبه ... دل ... شد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در ... تا ... قدر ... تا ... چه ... دوام ... است

[illegible]

[illegible]

غزل مخلص

هشیارم از هوای که ایشان [illegible] مقصود [illegible] حکایت است [illegible] گر گو به چوپان قسمت [illegible] ام

[illegible]

چون شمع [illegible] دم [illegible] به دست [illegible]

[illegible]

[illegible]

زاهدا [illegible] و [illegible] از لطف [illegible] [illegible]

[illegible]

کشتن [illegible] اگر [illegible] [illegible]

[illegible]

قصیده در تعریف [illegible]

[illegible]

خوشا حال رندی چو پیر مغان ... [illegible] ... ز هر کس که هستی ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بیا بشنو و پندم گوش کن   بپیمانه رو جرعه نوش کن   ... از همه فارغ ز هر غم شوی   ... [illegible] ... شوی   تو نیز اگر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

از آن ... [illegible] ... از آن ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

چو ... [illegible] ... ز آب ... [illegible] ... ز عالم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نشسته [illegible] هر کنار جام و [illegible] رنگ [illegible] شور [illegible] دین [illegible] هشیار و بیدار او شور کردم [illegible] آه چو دود من برآید [illegible]

[illegible]

[illegible]

خوردم جامی از [illegible] بستر بردم [illegible] بیاد [illegible] ای [illegible] توئی [illegible] چو [illegible]

[illegible]

[illegible]

خوش [illegible] باغ [illegible] وز [illegible] اگر [illegible] شوم [illegible] اگه در اول [illegible] وز خوابگاه او را

[illegible]

[illegible]

باشد [illegible] از [illegible] باشد [illegible] بر [illegible] از بیداد [illegible] چو واقف شوی [illegible]

[illegible]

[illegible]

کو در بحر کثرت ما آشنایم [illegible]

[illegible]

[illegible]

چو بنده بسیار در مدح او [illegible] شفیع آورم [illegible]

[illegible]

[illegible]

نگارم رفت دایم شرب ما [illegible]

[illegible]

[illegible]

کو [illegible] ملا کاتب [illegible]

[illegible]

[illegible]

دارم ... در عشق ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

که چون ... عشق ... پس از سوز آتش ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

معشوق چون ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... حسرت ... [illegible]

[illegible]

٢٠

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١١٦

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نشده چو آب ... [illegible] ... بکه خوش ... دوام ... کردن

[illegible]

[illegible]

ز ... چه ... [illegible] ... عشق ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نورش چه هست [illegible]

[illegible]

[illegible]

میان من و [illegible]

[illegible]

[illegible]

چو نوک [illegible]

[illegible]

[illegible]

ز بس [illegible] جای معشوق

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از دلم سوی خوش شرارای ده چو نگین حلقه نگاهی ده اگر از دل علم کرد رنگ نفس چون آه نگین به پیچ و قید نجات سخن چون شمع سوز دارم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسکه پوشیدش دل ... شعله‌اش ... [illegible] ... کوه ... عالم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

مرو به کوه ... چند ... شیشه و چاره چند ... [illegible] ... بابا ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

دگر نه پا نشان ... آتش ... سینه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] ... فروغ آفتاب ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۵۵

۱۲۶

[illegible]

۱۲
۳۴۳

[illegible]